

مدل چین؛ شایسته سالاری سیاسی و محدودیت‌های دموکراسی

نویسنده

دنیل ای. بل

با مقدمه نویسنده کتاب برای ترجمه فارسی

مترجم

آرش بیدالله خانی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد



- سرشناسه : بل، دانیل ا.، ۱۹۶۴ - م. - Bell, Daniel (Daniel A.), 1964
- عنوان و نام پدیدآور : مدل چین؛ شایسته‌سالاری سیاسی و محدودیت‌های دموکراسی/نویسنده دنیل ای. بل؛ مترجم آرشدیده‌الله‌خانی.
- مشخصات نشر : تهران: نشر علم، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۵۶۸ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۳۲۴-۳
- فهرست نویسی : نمایا
- یادداشت : The China model : political meritocracy and the limits of democracy, [2015].
- عنوان دیگر : شایسته‌سالاری سیاسی و محدودیت‌های دموکراسی.
- موضوع : فرهنگ سیاسی -- چین
Political culture -- China
رهبری سیاسی -- چین
-- China Political leadership
شایستگی (اخلاق) -- جنبه‌های سیاسی -- چین
Merit (Ethics) -- Political aspects -- China
نخبگان -- چین -- فعالیت‌های سیاسی
Elite (Social sciences) -- Political activity -- China
دموکراسی -- چین
Democracy -- China
- موضوع : چین -- سیاست و حکومت -- ۱۹۷۶ - ۲۰۰۲ م.
China -- Politics and government -- 1976 - 2002
- شناسه افزوده : دیده‌الله‌خانی، آرشدیده، مترجم
- رده‌بندی کنگره : JQ۱۵۱۶
- رده‌بندی دیویی : ۳۰۶/۲۰۹۵۱
- شماره کاتالوگ ملی : ۸۷۰۵۸۵۰

دلیل ای. بل
مدل چین
آرش بیدالله خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
لیتوگرافی: ترنج رایانه
چاپ: آزاده
قطع: رقعی
مطبعه آرای: محمد علی پور

شابک: ۳ - ۳۲۴ - ۲۴۶ - ۶۲۲ - ۹۷۸



حق چاپ محفوظ است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین
خیابان شهدای ژاندارمری، بن بست گرانفر، پلاک ۴
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۱۲۳۵۸



Www.elmpub.com



info@elmpub.com



nashreelm

فهرست

مقدمه مترجم.....	۱۱
مقدمه نویسنده کتاب برای چاپ نسخه فارسی.....	۲۹
الف- توجیه قاعده سیاسی سلسله مراتب در زمینه و محیط چینی.....	۳۱
ب- آیا می توان قدرت سیاسی را بدون انتخابات رقابتی محدود کرد؟.....	۴۳
ج- آیا شایسته سالاری دموکراتیک عمودی یک آرمان جهانی است؟.....	۵۱
یادداشت ها.....	۵۷

مقدمه.....	۶۱
۱. طرح کلی کتاب.....	۶۸
۲. روش انجام کار.....	۷۶
۳. انگیزه من از نوشتن کتاب.....	۷۷
یادداشت ها.....	۸۰

فصل اول: آیا سیستم دموکراسی دارای ضعف ها و ویژگیهای منفی کمتری

است؟.....	۸۵
۱. استبداد اکثریت.....	۹۷
جایگزینی برای دموکراسی انتخاباتی: شایسته سالاری سیاسی به سبک	
سنگاپور.....	۱۱۴

۱۲۲	۲. استبداد اقلیت.....
۱۳۱	مهار سرمایه داران؛ جایگزینی برای دموکراسی انتخاباتی.....
۱۳۸	۳. استبداد رای دهندگان.....
	قدرت و تو برای نمایندگان نسلهای آینده؛ جایگزینی برای دموکراسی
۱۴۴	انتخاباتی.....
۱۵۱	۴. استبداد و حاکمیت فرد گرایی رقابتی.....
۱۵۸	جایگزین دموکراسی انتخاباتی: نه به سیاست حزبی.....
۱۶۴	یادداشت ها.....

فصل دوم: درباره انتخاب رهبران خوب در سیستم شایسته سالاری سیاسی ۱۹۵

۲۰۳	۱- رهبری در متن و زمینه.....
۲۱۴	ماکس وبر؛ سیاست به عنوان حرفه.....
۲۲۱	۲- درباره نیاز به توانایی های فکری.....
	سازو کاری برای انتخاب مقامات سیاسی دارای توانایی های فکری: سیستم
۲۲۳	آزمون و ارزیابی امپراطوری.....
۲۳۷	۳- درباره نیاز به مهارت های اجتماعی.....
	سازو کاری برای ارتقاء مقامات سیاسی دارای مهارت های اجتماعی؛ جدی
۲۴۷	گرفتن خصیصه ها.....
۲۵۲	۴- درباره نیاز به فضیلت.....
	انتخاب از طریق هم شانان و هم تایان؛ سازو کاری برای انتخاب مقامات
۲۶۲	سیاسی با فضیلت.....
۲۶۹	یادداشت ها.....

فصل سوم: مشکلات و معایب سیستم شایسته سالاری سیاسی.....	۳۱۱
۱. مشکل فساد.....	۳۱۴
۲. مشکل استخوان بندی و انجماد سلسله مراتب سیاسی.....	۳۳۵
۳. مشکل مشروعیت در سیستم های شایسته سالار.....	۳۵۳
یادداشت ها.....	۳۷۷

فصل چهارم: سه مدل شایسته سالاری دموکراتیک.....	۴۲۳
۱. رای به افراد خردمند و با فضیلت.....	۴۲۵
پیشنهاد جان استوارت میل برای طرح رأی گیری متکثر.....	۴۲۷
۲. مدل افقی: دموکراسی و شایسته سالاری در رأس سلسله مراتب نظام.....	
سیاسی.....	۴۳۲
طرح جیانگ چینگ برای سیستم قانونگذاری با بدنه سه مجلسی.....	۴۴۰
۳. یک مدل عمودی: دموکراسی در پایین و شایسته سالاری در بالا.....	۴۴۹
دیدار با لی یوان چاو وزیر.....	۴۵۲
۴. همه پرسى علیه دموکراسى انتخاباتى.....	۴۵۹
یادداشت ها.....	۴۶۵

جمع بندی افکار: فهم و تحقق مدل چین.....	۴۸۵
واقعیات اصلاحات سیاسی.....	۴۸۷
کمال مطلوب اصلاحات سیاسی.....	۵۰۰
فراتر از چین.....	۵۱۱
یادداشت ها.....	۵۱۶
منابع و مأخذ.....	۵۳۱

مقدمه مترجم

آشنایی من با این کتاب و انتخاب آن برای ترجمه امری اتفاقی بود. زمانی که داشتم در اینترنت جستجو می کردم تا در مورد برخی از مسائل مربوط به سیاست داخلی چین پژوهش کنم، به این کتاب برخورد کردم. اسم کتاب جالب توجه و جذاب بود و توجه من رو به خود جلب می کرد. وقتی بخشی از مقدمه و فصل اول کتاب را خواندم به موضوع اصلی کتاب علاقه مند شدم و بخشهایی از آن را برای دانشجویان کلاسهای مختلف خودم به خصوص در سطوح تحصیلات تکمیلی بازگو می کردم و آنها را به خواندن و یا ترجمه این کتاب تشویق می کردم. با افزایش انگیزه و جذاب بودن چارچوب کتاب، تصمیم گرفتم که در صورت اجازه نویسنده اصلی کتاب، متن اصلی را به فارسی برگردانم. بخشی از انگیزه من در ترجمه این کتاب، خلأ پژوهشی و کمبود منابع در حوزه مطالعات چین شناسی به خصوص در حوزه مسائل و مشکلات داخلی و ساختار نظام سیاستگذاری در چین است. در یک دهه اخیر، با گسترش دانشگاهها و رشته های دانشگاهی در حوزه مطالعات سیاسی و همچنین مطالعات منطقه ای، توجه و تمرکز بر مسائل چین، افزایش یافته است. با وجود این

افزایش، اکثر پژوهشگران ایرانی بر ابعاد خارجی و سیاست خارجی چین در مناطق مختلف تمرکز می کنند و اکثر منابع مطالعاتی در زبان فارسی از جمله کتب، مقالات و ترجمه ها، در مورد سیاست خارجی چین و زوایای مختلف عملکردی چین در نظام بین الملل است. بر همین اساس تمرکز کمتری بر سازو کارهای تصمیم سازی نظام سیاسی چین و مسائل مربوط به تاریخ، فرهنگ و اجتماع چین در سطوح پایین و بالا، مسائل اجتماعی و جامعه شناختی چین و به طور کلی سیاست داخلی چین و چین شناسی وجود دارد. با توجه به این خلأ، من تصمیم گرفتم که این کتاب را ترجمه کنم که بتوانم در چند به صورت محدود، پژوهشگران را با بخشهایی از زوایای پنهان نظام تصمیم گیری و ساختار رهبری و همچنین ساخت نظام رهبری و نخبگی در چین آشنا کنم. این کتاب از این بابت اهمیت دارد که ما را با یکی از جنبه های اساسی سیاست چین که نقش مهمی در سیاست داخلی و خارجی این کشور و همچنین رشد و توسعه آن داشته، آشنا می کند و فهم مسئله اصلی این کتاب ما را به حوزه های مطالعاتی جدید در مورد فرهنگ، سیاست و تاریخ چین، رهنمون می کند. ادراک چین در بین پژوهشگران ایرانی و کسانی که خود را متخصص مسائل شرق آسیا و چین می دانند، مبهم و منقطع بوده است. به مثابه دیگر پدیده های اجتماعی و سیاسی، فهم چین در ایران با گسست و انقطاع و افراط و تفریط روبرو بوده است.

همانطور که اشاره شد، بخش اعظمی از مطالعات مربوط به چین در ایران، شامل مطالعات حوزه سیاست خارجی و نگاههای خارجی چین و بافت سیاست خارجی این کشور است. با گذشت سالها از روابط ایران و چین و گسترش آن به حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی، هنوز مرکز یا کرسی های تخصصی چین شناسی در

دانشگاههای ایران فعال نشده است. علاوه بر این، با وجود تعداد زیادی از افراد مدعی دارای تخصص در حوزه چین ما هنوز در ایران کسی را که چین شناس واقعی باشد و مسائل و جنبه های مختلف کشور چین را بشناسد، نداریم. با وجود تأسیس مراکز کنفوسیوس در برخی از دانشگاههای ایران، این مراکز تنها در سطح زبان شناسی فعال هستند و پژوهشگران و متخصصان ایرانی تمرکزی بر مسائل و سیاست داخلی چین و زوایای مختلف فرهنگ، اجتماع و سیاست این کشور، نداشته اند. بر همین اساس، کمبود متخصص، مراکز و کرسی های دانشگاهی در ایران که در حوزه چین تخصص داشته باشند، به شدت حس می شود. به مثابه دیگر کشورهای غربی و شرقی، نگاه به چین در ایران از دریچه ها و چشم اندازهای افراط گونه و با تفریط گونه بوده است و یک خط دو طیفی و دوسره مثبت و منفی در رابطه با چین در ایران بوجود آمده است و میانه این خط خالی که تعادل را میزبانی می کند، خالی است. برخی از دانشگاهیان، کارشناسان و افکار عمومی، به دلیل نزدیکی امنیتی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی به چین در دوره بعد از انقلاب اسلامی، به صورت افراط گونه این کشور را مهم نشان می دهند و موجد نوعی نگاه تماماً عاطفی، اغراق گونه و تملق محور به چین هستند. اینگونه نویسندگان ضمن دنباله روی از ادبیات حکومتی، چین را شریک جمهوری اسلامی نشان می دهند و به زوایای پنهان و مهم سیاست داخلی و اندیشه چینی توجه نمی کنند. در طرف دیگر خط، نیز برخی کارشناسان، دانشگاهیان، افکار عمومی و همچنین برخی از مخالفان جمهوری اسلامی وجود دارند که یا به صورت تفریط گونه به چین توجه نمی کنند، یا دنباله روی ادبیات غربی در رابطه با چین هستند. گروه دوم، ضمن نادیده گرفتن اهمیت و قدرت چین، ابعاد منفی سیاست و حکومت و همچنین سیاست

خارجی چین را پر رنگ می کنند. ادبیات این گروه، دنباله روی ادبیات غربی ها در مورد چین است. هر دوی این گروهها دو سر یک خط باریک هستند که میانه روی و تعادل در اندیشه و نوشتارهایشان جایگاهی ندارد و معمولاً در اندیشه، نظر و تحلیل سطحی نگر هستند. نقش و مقصر اصلی در گسترش افراط و تفریط و وارونگی شناخت کشورهای دنیا در ایران را حکومت و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بر عهده دارد. عدم ارتباط گسترده نظام جمهوری اسلامی با کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده و گسترش نوعی از ادبیات آکادمیکی - ژورنالیستی تملق محورانه و اغراق گونه در رابطه با کشورهای دنیا و فضای بسته فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران و عدم دسترسی و ارتباط بخش اعظمی از شهروندان ایران از جمله دانشگاهیان با محیط بین الملل از جمله کشورهای غربی و شرقی، باعث بوجود آوردن نوعی فضای نوشتاری و تحلیلی افراط گرایانه و یا تفریط گرایانه در رابطه با جهان شده است. اکثر شهروندان ایران حتی دانشگاهیان، جهان را از دریچه ایدئولوژیک - عاطفی نگاه می کنند. برای برخی شرق قبله آمل و آرزوهاست و برای برخی غرب. عدم به رسمیت شناخته شدن مطالبات معمولی شهروندان ایران و قطع ارتباط با شریانیهای ثروت و قدرت در دنیا، باعث گسترش نگاههای تخیلی و افراط و یا تفریط محور به دنیا شده است. تحلیل چین در ایران نیز بر آمده از همین نگاه ایدئولوژیک و افراطی - تفریطی است. ایرانیان طرفدار حاکمیت و یا برخی از چپ ها، بدون در نظر گرفتن عیب ها و ضعف های ساختاری سیستم چینی و عدم توجه به منافع ملی و نظام اندیشگی ایرانیان، پیروی از چین و همگرا و همنا شدن با این کشور را تمام و کمال تبلیغ می کنند و مدل چینی توسعه برای ایران را می پسندند. بر عکس ایرانیان غرب گرا و بخش اعظمی از افکار عمومی، با تأسی از نظام اندیشه وارگی غربی و خط های

سیاسی جریانهای اصلی در غرب، چین را یک کشور استعمارگر و ترسناک نشان می دهند، که به جز ویرانگری و تخریب کار دیگری نمی کند و منفعتی برای کشورهای دیگر ندارد. اندیشه و تفکر این گروه دوم به دلیل مخالفت همه جانبه آنها با ایده ها و اندیشه جمهوری اسلامی، حامیان بیشتری در بین افکار عمومی دارد و این تفکر در رابطه با چین با توجه به پروپاگاندای خبری و آکادمیک و گسترش چین هراسی در دنیا، نقشی هژمونیک در بین افکار ایرانیان پیدا کرده است. شوربختانه هر دوی این گروهها، بدون اطلاع از تاریخ سیاسی و فرهنگ اجتماعی داخلی در چین و روندهای تاریخی توسعه در این کشور، نوعی نگرش سطحی را در رابطه با چین توسعه می دهند یا باید تماماً با چین رابطه داشت و همه جانبه در خدمت اهداف ژئوپلیتیک چین بود و مدل توسعه چینی را دنبال کرد و یا باید تماماً در جبهه ضد چینی قرار گرفت، چرا که چین ترسناک، غیر دموکراتیک و استعمارگر است. این گرایشها به تناسب زمان و با توجه به سطح روابط ایران با چین، در شبکه های اجتماعی و در بین افکار عمومی گسترده می شوند و یا کاهش پیدا می کنند.

در خود دنیا نیز گرایشها و چشم اندازهای مختلفی در مورد چین وجود دارد. چشم انداز افکار عمومی در دنیا نسبت به چین در چهار دسته نگاه و یا چشم انداز جا می گیرد. این چشم اندازها عبارتند از: چشم انداز های فرهنگی، چشم اندازهای اقتصادی، چشم انداز امنیتی و چشم انداز سیاسی. در هر کشوری به تناسب سطح روابط با چین، برخی از این نگاهها و چشم اندازها در بین افکار عمومی، دانشگاهیان و همچنین سیاستمداران وجود دارد. منتهی مسئله اصلی در دیگر کشورها، نگاه به چین از یک دریچه متوازن و متعادل است. چرا که در اکثر کشورهای دنیا، رابطه با چین همانند رابطه با دیگر کشورهای دنیا متعادل و متوازن است و

کشورها با توجه به منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی رابطه با چین را مدیریت می کنند. برای اکثر کشورهای دنیا به خصوص کشورهای آسیایی چین عامل مهمی در سیاست خارجی آنان است. چین مهم است، چرا که دارد ابر قدرت می شود. این اهمیت باعث شده است که توجه کشورهای مختلف به زوایای مختلف نظام حکمرانی، سیاست، فرهنگ، تاریخ و جغرافیای چین گسترش پیدا کند. در ایران اما، مناسفانه با وجود گسترش ارتباطات مختلف با چین، شناخت ما از تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و سیاست چین بسیار کم است. همانطور که ذکر آن رفت، اکثر نویسندگان و کارشناسان حوزه چین در ایران، در مورد مسائل خارجی، روابط بین الملل و سیاست خارجی چین می نویسند و کمتر کسی پیدا می شود که به جنبه های ناشناخته ساختار و نظام سیاسی، تاریخ و فرهنگ چین، نظری بیفکند. بر عکس در خود چین گری های مختلف مطالعات فرهنگ و سیاست ایران وجود دارد و چینی ها در سالهای گذشته، شناخت خوبی از زوایای مختلف فرهنگ، تاریخ و سیاست ایران پیدا کرده اند. بخشی از عدم شناخت ما نسبت به چین، به همان چشم اندازهای افراط - تفریط گونه و حاکم شدن و غلبه نگاه تفریطی بر پژوهشگران بر می گردد. بخشی از پژوهشگران به دلیل مخالفت با سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تلاش می کنند، گفتمانهای حاکمیتی را در رابطه با کشورهای مختلف از جمله چین، نفی کنند. به همین دلیل آنها کمتر در مورد چین قلم می زنند و وقتی هم که می نویسند سعی می کنند تا زوایای پنهان سیاست خارجی نظام حاکم در چین را نمایان کنند، تا از این طریق به حکومت و افکار عمومی هشدار دهند که بیش از حد به چین نزدیک نشوند. چنین امروزه کشوری معمولی و نرمال و بخشی از نظام بین الملل و یک کشور سرمایه داری غیر دموکراتیک با زوایا و ابعاد مثبت و منفی گوناگون است. نادیده

گرفتن و یا عدم توجه به زوایای پیدا و پنهان نظام حکمرانی، تاریخ و سیاست چین به خصوص برای پژوهشگران ایرانی اشتباه بزرگی است. برخی از نگاههای عاطفی _ تفریطی که معترض رفتارهای داخلی جمهوری اسلامی و دنباله روی نگاه های غربی به چین هستند، به دلیل عدم دموکراتیک بودن چین، این کشور و پیشرفتهای آن را تماماً نفی می کنند. بخش اعظمی از ایرانیان، تعادل و موازنه در سیاست خارجی و داشتن رابطه با جهان غرب را از جمله الویت های اصلی سیاست خارجی و ارتباطات بین المللی می دانند و به همین دلیل با چین گرایی مفرط در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مخالفت می کنند. این نکته همانطوری که ذکر آن رفت، با توجه به فضای داخلی ایران و نظام تصمیم گیری بسته و امنیتی سیاست خارجی و درگیری ایران در چند جبهه بین المللی، امر طبیعی و قابل پذیرشی است. اما این مسئله را نباید از یاد ببریم که چین امروزه صاحب درصد بالایی از تولید ناخالص بین المللی و ثروت جهانی است و بخش زیادی از تولید ثروت در نظام اقتصاد سرمایه داری بین المللی با حضور شرکتهای چینی انجام می شود. به همین دلیل مدیریت صحیح ارتباط با چین و بهره گیری از سرمایه های چینی همانطور که برای اروپایی ها از جمله سوئدی ها، نروژی ها، فنلاندی ها، چکی ها، اسلواکی ها و... الویت مهم سیاست خارجی اشان است، برای ایران نیز باید الویت مهمی باشد. این الویت اگر همراه با شناخت بهتر زوایای پنهان نظام حکمرانی، تاریخ، سیاست، فرهنگ و جامعه چین باشد، کمک بزرگی به مدیریت و متعادل سازی سیاست خارجی ما نسبت به چین می کند.

پیشرفت اقتصادی در چین، از گذشته تا به امروز برای هبج کشوری منفی نبوده و ثروتمند تر شدن چین می تواند به بهبود اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای فقیر کمک کند. بر عکس بحث های کلیشه ای چین

هراسی، امروزه پیوند های گسترده اقتصادی چین با کشورهای مختلف دنیا از جمله کشورهای اروپایی و کشورهای آفریقایی به رشد و گسترش تولید ناخالص داخلی و صادرات این کشورها کمک زیادی کرده است. غرب گرایان، چین را کشوری وحشتناک تصور می کنند که می خواهد آفریقا، آسیا، خاورمیانه و ایران و منابع آن را ببلعد. صدها کتاب و مقاله نیز در این رابطه وجود دارد که اکثراً توسط نویسندگان آمریکایی نوشته شده است. شوربختانه گسترش پاندمی کرونا و عدم شفافیت دولت چین در زمینه مدیریت و کنترل بیماری (به دلیل غیر دموکراتیک بودن این کشور) نقش مهمی در گسترش احساسات ضد چینی در دنیا داشته است. این مسئله یک پارادکس فکری و تکنیکی با مفروضات اصلی این کتاب دارد. عدم شفافیت که متعاقباً در کشورهای غیر دموکراتیک سطوح آن بیشتر است، به ما نشان می دهد که دموکراسی در چین به صورت حداقلی می توانست برخی از ویژگی ها و روندهای نظام حکمرانی این کشور را شفاف تر کند و این شفافیت احتمالاً باعث کنترل بیماری کوید ۱۹ و عدم سرایت آن به بقیه کشورها می شد. پارادکس اصلی کتاب نیز از همینجا سرچشمه می گیرد. ایده اصلی کتاب دفاع از مدل سیاسی شایسته سالاری چینی و برخورد آن با دموکراسی انتخاباتی است و نویسنده از این ایده دفاع می کند، هر چند این کتاب در سالهای قبل از پاندمی نوشته شده، اما گسترش پاندمی کوید از چین و سرایت آن به دیگر کشورها نشان داد که چقدر مسئله حاکمیت و نظام حکمرانی، شفافیت، دموکراسی و ارتباطات بین المللی کشوری مثل چین برای دنیا مهم است. احتمالاً به فرض حاکمیت نظام نسبتاً دموکراتیک تری در چین امروز، شاید خیلی از انسانهای بیگناه در کشورهای مختلف دنیا جانشان را از دست نمی دادند. بر همین مبنا باید به این مسئله اذعان کرد که امروزه همانطوری که نویسنده نیز در برخی از

سطور کتاب به آن اشاره می کند، ایده دموکراسی در بین شهروندان چینی ایده محبوبی است و چینی های عادی آن را یکی از جایگزین های اصلی نظام حکمرانی در چین می دانند، هر چند احتمالاً کارکردهای دموکراسی و عملکرد آن در کشور بزرگ و پهناوری مثل چین، کار سخت و پیچیده ای خواهد بود، اما مسئله اصلی برای دنیا در رابطه با چین به خصوص در مورد پاندمی کرونا، قبول مسئولیت حاکمیت این کشور و حزب کمونیست چین در گسترش بیماری همه گیر کوید به دیگر نقاط دنیا است. در این زمینه احتمالاً هم طرفداران شایسته سالاری سیاسی از جمله نویسنده کتاب و هم منتقدان آن و حامیان دموکراسی غربی متفق القول هستند. زیرا، مبنای اصلی شایسته سالاری سیاسی و مدل چین، گسترش بهبود نظام حکمرانی از جمله کاهش فساد و افزایش شفافیت و مسئولیت پذیری داخلی و بین المللی است و نویسنده در گفتگوی اخیر با من بر این مسئله تأکید کرد. وی همچنین ذکر کرد که بخش زیادی از چینی های جوان، متفکر و دانشگاهی اذعان می کنند که کشورشان باید مسئولیت همه گیری کوید ۱۹ را بپذیرد و مقصران و عامل آن حتی در سطوح بالا را مجازات کند. این مسئله می تواند به دنیا نشان دهد که مدل چین، مدل رو به بهبودی است و همانند نظامهای دموکراتیک، رفاه جمعی و صلح همگانی نیز می تواند جزء ویژگیهای اصلی مدل سیاسی چین باشد. با وجود اطلاع از چین هراسی در دنیا و ایران، باز هم انگیزه پیدا کردم که این اثر را ترجمه کنم، چرا که فکر می کنم، ایده اصلی کتاب برای نظام سیاسی و آینده ایران بسیار مهم و حیاتی است و می تواند ایران را از منجلاب کنونی عقب افتادگی، درجا زدن و چرخش بهبودی نظام سیاسی در فرآیند توسعه، نجات دهد و درسهای حیاتی برای آینده ایران داشته باشد. همانطور که ذکر شد چین با وجود تمام ابعاد منفی نظام حکمرانی و سیاست خارجی آن، برای دنیا

کارکردهای مثبتی هم دارد و مکانیزمها و عملکردهای نظام حکمرانی چین در سیستم بین المللی و کارکردهای مثبت آن برای نظام اقتصاد سرمایه داری بین المللی، به رسمیت شناخته شده است.

بر همین اساس، نباید از نقش مثبت چین در رشد اقتصادی و بهبود زندگی شهروندان در کشورهای در حال توسعه و فقیر آسیا و آفریقا غافل شد. چین در آفریقا و آسیا از جمله در ایران در حوزه هایی سرمایه گذاری می کند که شرکتهای غربی و کشورهای دیگر ریسک آن را نمی پذیرند. علاوه بر این چین نقش مهمی در دسترسی مردم عادی دنیا به کالاهای مصرفی ارزان قیمت و برآورده شدن رویاهای مردم فقیر دنیا دارد. قطعاً این مسئله به چینی ها بیش از کشورهای وارد کننده کالا از آن سود می رساند، اما فراموش نکنیم که سود کشور میزبان نیز از سرمایه گذاری و شراکت با چین، بسیار بالا است. امروزه بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین از جمله شیلی، اکوادور، برزیل، آرژانتین، کشورهای اروپایی از جمله مجارستان، چک، اسلواکی، نروژ، فنلاند و... ارتباطات گسترده اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با چین دارند. با وجود اینکه برخی از این کشورها شرکای امنیتی و سیاسی آمریکا هستند و از لحاظ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی در جغرافیای جهان غربی قرار می گیرند، در هیچ کدام از این کشورها چین هراسی گسترده نشده و گسترش سرمایه گذاری های چین باعث منفی شدن نگرش شهروندان این کشورها نسبت به چین نشده است. با تمام مسائل منفی که وجود دارد، نقش مثبت چین امروزه در دنیا غیر قابل انکار است. هر اتفاق مهمی در چین در حوزه اقتصاد و یا سیاست می تواند تاثیر گسترده ای بر کشورهای دیگر داشته باشد. پس نادیده گرفتن چین اشتباه بزرگی است و تعادل در چشم اندازها و نگاهها به چین باید محور تجزیه و تحلیل مسائل این کشور باشد. بر همین اساس است که

اطلاع از فرهنگ سیاسی، تاریخ و ساز و کارهای نظام سیاسی داخلی این کشور و حزب کمونیست چین می تواند، زوایای پنهان این کشور را نمایان کند. اطلاع از تاریخ چین و ساخت سیاست داخلی و فرهنگ این کشور، می تواند فهم روندهای بین المللی این کشور را ساده تر کند، چرا که این مسئله می تواند به تغییر تصویر هیولایگونه چین هراسان کمک کند. فهم تاریخ توسعه و ساز و کارهای داخلی نظام سیاسی در چین به ما کمک می کند تا چین را به مثابه یک کشور عادی ادراک کنیم و نگاههایمان را به چین و ادراک چینی ها متعادل و متوازن سازیم.

ترجمه این کتاب گامی ابتدایی برای فهم ساز و کارهای داخلی ساختار سیاستگذاری و نظام تصمیم گیری در چین است. این کتاب بر عکس بقیه کتابها در رابطه با چین، در مورد مدل اقتصادی و توسعه چین نیست، بلکه در مورد نظام رهبری و مدیریت سیاسی، چرخش نخبگان و ساختار تصمیم گیری در داخل چین است. نویسنده از دموکراسی انتخاباتی در سطوح بالای نظامهای سیاسی انتقاد می کند و ندهای وی به دموکراسی، تا حدودی ساختار شکنانه است.

مطالعه کتاب اطلاعات دسته اولی را در مورد تاریخ و سیاست در چین معاصر در اختیار ما قرار می دهد. مدل چین از آنجا اهمیت دارد که این کتاب بر عکس جریانها و خطوط اصلی آکادمیک در رابطه با چین، این کشور را دهشتناک و عجیب و غریب نشان نمی دهد، بلکه تلاش دارد بر عکس تحلیلهای سطحی، فهمی عمیق از ساز و کارهای داخلی حزب کمونیست چین و نظام تصمیم گیری و رهبری این کشور ارائه دهد. این کتاب بر عکس کتب دیگر، می خواهد خوانندگان را به فهم این نکته مهم هدایت کند که بر عکس اجماع اندیشمندان غربی در مورد غیر دموکراتیک بودن چین، این کشور زوایایی از دموکراسی را در سطوح پایینی نظام

سیاسی اجرا می کند. علاوه بر این، کتاب به ما کمک می کند تا وقتی در رابطه با مسائل چین مطالعه می کنیم، بدانیم که با یک کشور کوچک طرف نیستیم و نمی خواهیم در مورد مدیریت یک سرزمین معمولی صحبت کنیم، بلکه می خواهیم در مورد کشوری مطالعه و بحث کنیم که هر تغییر داخلی در نظام سیاست گذاری اش می تواند، تاثیرات عمیقی را بر نظام بین الملل و سرنوشت میلیون ها نفر از شهروندان دنیا بگذارد. خواندن این کتاب می تواند به سیاستگذاران، پژوهشگران و اندیشمندان ایرانی کمک شایان توجهی در فهم سیاست داخلی، ساختار رهبری و نظام تصمیم گیری چین، کند. فهم و ادراک چین در ایران بسیار کلیشه ای است و پیشرفت چین نیز از دیدگاه چشم اندازی سطحی و کلیشه ای تحلیل می شود. مدل اقتصادی رشد و پیشرفت اقتصادی در چین، در ایران نیز بسیار محبوب است و برخی نیز علاقه به بهره گیری از مزیت های مدل چینی برای توسعه ایران دارند. اما مدل چینی فقط مدل توسعه و رشد اقتصادی نیست. این کتاب در مورد مدل سیاسی چین است و اینکه چگونه ساخت مدل رهبری در یک نظام شایسته سالار، به رشد و توسعه اقتصادی در این کشور کمک کرده است. خواندن این کتاب می تواند به سیاستگذاران و علاقه مندان به شباهت و بهره گیری از مدل چینی در ساخت سیاستهای توسعه در ایران، کمک کند. این کتاب از طریق یک چشم انداز تاریخی - فلسفی به ادراک ما از نقش رهبری و شایسته سالاری چینی و نقش آن در توسعه اقتصادی در چین کمک می کند. نظام شایسته سالاری سیاسی در چین که برآمده از تاریخ چند هزار ساله این کشور است، نقش مهم ساختار رهبری را در توسعه این کشور پر رنگ می کند. شایسته سالاری سیاسی تاریخ طولانی در کشورهای شرق آسیا دارد، اما مدل شایسته سالاری چینی، حزب کمونیست چین با ساختار انعطاف پذیر در یک کشور پهناور،

توانسته این کشور بزرگ را به یکی از قدرتهای برتر دنیا در حوزه های مختلف اقتصادی و سیاسی تبدیل کند. اهمیت فهم شایسته سالاری سیاسی در سطوح بالای حاکمیت و جلوگیری از فساد از جمله درسهای مهم این کتاب برای مسئولان و سیاستگذاران جمهوری اسلامی است. کتاب با ذکر نمونه های فساد در چین و سیاست های ضد فساد حکومت چین و حزب کمونیست، مزایا و معایب این گونه سیاستها را از چشم انداز شایسته سالاری سیاسی به بحث می گذارد. این کتاب بر عکس کتب دیگر، مدل اقتصادی چین را ستایش نمی کند، بلکه مدل سیاسی تصمیم گیری و رهبری در نظام حکمرانی و ساختار نخبگانی این کشور را ستایش می کند و به ضعف ها و نقاط قوت آن می پردازد. با توجه به علاقه نویسنده به حوزه فلسفه سیاسی، وی از نظریات فلاسفه نخبه گرای کلاسیک از جمله افلاطون، هگل، کانت، هابز، جان استوارت میل و همچنین برخی از فیلسوفان سیاسی معاصر چینی و آسیایی بهره فراوانی می گیرد.

این کتاب به هیچ عنوان قصد ساخت یک چشم انداز آرمانی نسبت به چین را ندارد و نمی خواهد از چین و مدل سیاسی غیر دموکراتیک آن الگویی آرمانی بسازد. نویسنده بارها به این مسئله تاکید کرده است. چین امروز یک کشور بزرگ با مشکلات خاص خودش است. اما مکانیزمهای سیاسی و نظام تصمیم گیری در این کشور بزرگ، توانسته است، یک کشور پهناور و پر جمعیت را با انواع مشکلات مختلف، به صدر پله های توسعه در دنیا رهنمون کند، به نوعی که امروز این کشور در اکثر حوزه ها رقیب جدی ایالات متحده به عنوان ابر قدرت هژمون دنیا است. نکته اساسی که این کتاب بر آن تاکید می کند این است که، نظام تصمیم گیری در چین امروز به خصوص در سطوح بالای دولت و حزب کمونیست چین، دموکراتیک نیست و این انگاره مورد اجماع همه پژوهشگران قرار دارد، اما

عدم حضور دموکراسی در چین، باعث نارضایتی مردم نشده، چرا که کارآمدی و نظام شایسته سالارانه سیاسی با یک سیستم ارزیابی سفت و سخت، توانسته است جایگزین دموکراسی شود. کشور حداقل در سطوح بالا دموکراتیک نیست و هزینه ها و فسادهای دموکراسی را ندارد و ادعای آن را نیز ندارد، اما جایگزین دموکراسی، سرکوب سیاسی خالی حکومت نیست، بلکه نظام سیاسی چین بر مبنای تاریخ چند هزار ساله این کشور و سنت های کنفوسیوسی توانسته است کارآمدی را جایگزین دموکراسی کند و متعاقباً کسب رضایت حداقلی شهروندان و فراهم آوردن یک زندگی نرمال برای مردم این کشور از جمله دستاوردهای این نظام شایسته سالارانه بوده است. رسیدن به سطوح بالای حکومت و وارد کادر رهبری و یا مسئولیت دولتی شدن در چین، فرآیندهای خاصی دارد که بر آمده از یک سیستم نخبگانی سخت و به روز شده است و شایسته سالاری سیاسی مرکز فرهنگ سیاسی چین امروز است و این می تواند به مشروعیت نظام سیاسی و کمبود فرآیندهای دموکراتیک کمک کند و جایگزین آن شود. نظام دموکراتیک نیست، اما کارآمد، بهره ور و مردم گرا است و به مردم این کشور سود می رساند. کتاب سعی می کند، این نظام شایسته سالارانه در چین را بر مبنای مدلی که خود نویسنده خلق کرده توضیح دهد. هر چند اعتقاد نویسنده در انتها این است که نظام سیاستگذاری در چین در سطوح پایینی دموکراتیک است و انتخابات نیز دارد. اما هر چه به سمت بالاتر حرکت می کنیم، شایسته سالاری سیاسی جایگزین روشهای دموکراتیک به خصوص روش هر نفر - یک رأی (انتخابات) می شود و افراد برای رسیدن به سطوح بالاتر باید از پایین شروع کنند و در وسط نیز افراد به خصوص رهبران میانی می توانند به آزمایش سیاست های مختلف در سیستم حکمرانی و خلافت روی بیاورند که نوعی پیش نیاز برای صعود

به سطوح بالای رهبری در حزب کمونیست چین و ساختار سیاست گذاری است و آنها را برای ورود به نظام چرخش نخبگانی در سطوح بالای رهبری در نظام سیاسی چین امروز آماده می کند و همین آزمایشها باعث خلق خلاقیت‌های سیاسی و سیاستی توسط رهبران میانی چین و ترویج و کاربرد آن در بقیه نقاط کشور می شود و سیستم غیر دموکراتیک چین را به روز رسانی می کند.

نویسنده این کتاب نه چینی بلکه غربی است. زمانی که این کتاب برای اولین بار در سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات دانشگاه پرینستون چاپ شد، تعداد زیادی از منتقدان آمریکایی و مخالفان و اپوزیسیون چینی، نویسنده کتاب را ماله کش دولت چین نامیدند. چرا که مباحث این کتاب بر عکس کتب دیگر، بر علیه جریان اصلی یا همان mainstream دانشگاهی در مورد چین بود و این کشور را از زوایای دیگری تحلیل می کرد. نویسنده کتاب سالها در کشورهای شرق آسیا و چین زندگی کرده و همسری چینی داشته و هم اکنون نیز ساکن چین است و در محافل آکادمیک معاصر یکی از چینی شناسان مطرح غربی است.

زمانی که تصمیم گرفتم کتاب را ترجمه کنم، با نویسنده کتاب آقای دنیل ای. بل تماس گرفتم. برای من نام دنیل بل یاد آور جامعه شناس مشهور چپ آمریکایی و استاد دانشگاه هاروارد بود که آثاری درخشان از جمله کتاب پایان ایدئولوژی را خلق کرده بود. در تماس هایی که با دنیل بل داشتم از او در مورد نامش و نسبتش با دنیل بل مشهور پرسیدم. وی تاکید کرد که نسبتی با وی ندارد و داستان شباهت اسمی خود با جامعه شناس بزرگ آمریکایی و مشکلاتی که از این بابت برایش پیش آمده را برای من تعریف کرد و حتی در مورد دیدارها و صحبت‌هایی که با خود شخص دنیل بل جامعه شناس آمریکایی قبل از مرگش داشته را برای من

بازگو کرد. تا قبل از گفتگوی مان من فکر می کردم که نویسنده کتاب به مثابه همان جامعه شناس آمریکایی دنیل بل گرایش چپ و مارکسیستی قوی دارد و به همین دلیل به حوزه چین علاقه مند شده. اما در صحبت هایم و سپس در ترجمه کتابش متوجه شدم که وی هیچ گرایش و نسبتی با اندیشه مارکسیسم از جمله ایدئولوژی مارکسیستی چینی - مائویی و حزب کمونیست چین ندارد. دنیل بل اصالتی کانادایی دارد و فارغ التحصیل دانشگاه مگ گیل و آکسفورد است. وی سابقه تدریس در دانشگاه ملی سنگاپور، دانشگاه هنگ هنگ، دانشگاه استفورد، آکسفورد، پرینستون و دانشگاه های مختلف چین را دارد و هم اکنون استاد صاحب کرسی علوم سیاسی در دانشگاه شینگ هوای چین و هم چنین رئیس دپارتمان علوم سیاسی و مدیریت امور عمومی در دانشگاه شاندونگ است. وی متخصص امور چین است و سالها در این کشور زندگی کرده و آثار زیادی را به زبان انگلیسی در مورد چین و تاریخ و سیاست این کشور تالیف کرده است. آخرین کتاب وی «فقط سلسله مراتب: چرا سلسله مراتب اجتماعی در چین و بقیه جهان اهمیت دارد؟»^۱ توسط دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۲۰ منتشر شده است. وی صاحب چندین جایزه ملی و بین المللی شده است. من بارها با دنیل ای. بل در مورد کتابش صحبت کردم و وی من را قانع کرد که این کتاب را به فارسی ترجمه کنم. توضیحات و صحبت های وی آنقدر با اصالت و منطق بود که من تصمیم گرفتم، کتاب را به فارسی برگردانم و وقتی این مسئله را با وی در میان گذاشتم، به شدت خوشحال شد و من را تشویق کرد و حتی توافق کرد که مقدمه ای کوتاه برای چاپ فارسی کتاب نیز بنویسد که در ادامه این مقدمه را خواهید خواند. برای وی بسیار جذاب بود که مطالعات چین در ایران طرفداران بسیاری دارد.